



اجل معین ملت‌ها

در قرآن از اجل معین شهرها و دیارها سخن به میان آمده است. تفاسیر تداوم دنیاپرستی و رفتار نادرست جوامع را باعث هلاک اجتماعی می‌دانند.

در قرآن از اجل معین شهرها و دیارها سخن به میان آمده است. تفاسیر تداوم دنیاپرستی و رفتار نادرست جوامع را باعث هلاک اجتماعی می‌دانند.

به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، در آیات ۴ و ۵ سوره حجر می‌خوانیم: «وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٌ مَعْلُومٌ* مَا تَسْقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ: ما (اهل) هیچ شهر و دیاری را هلاک نکردیم مگر اینکه اجل معین (و زمان تغییرناپذیری) داشتند.* هیچ گروهی از اجل خود پیشی نمی‌گیرد و از آن عقب نخواهد افتاد.

حیات مستقل جوامع بشری در قرآن

اجتماع بشری را می‌توان مانند موجودی زنده در نظر گرفت. این نگرش کم و بیش در علوم مختلف به جوامع انسانی وجود داشته است. به خصوص در فلسفه چنین دیدگاهی به جوامع بشری وجود دارد. برای مثال فارابی اجتماع بشری را به بدن تشبیه می‌کند. در چنین نگاهی اجتماعات بشری تنها افراد نیستند، بلکه خود وضعیتی مستقل از مجموع افراد دارند و می‌توان در خصوص جوامع سخن گفت. از دیدگاه قرآن نیز گویی «قَرْيَةٍ» حیاتی و مماتی مستقل دارد که خداوند آن را هلاک نمی‌کند، مگر آنکه اجل آن قوم فرا رسیده باشد.

تداوم دنیاپرستی هلاک جوامع را در پی دارد

در آیات فوق دقیقاً مشخص نشده است که هلاک چیست، اما مشخص است که می‌تواند طیف وسیعی از عذاب الهی تا بزهکاری و زوال اجتماعی و انحطاط اخلاقی را شامل شود. از دیدگاه مجمع‌البیان این آیه هشدار به جوامع گناه‌کار است، صاحب این تفسیر می‌نویسد: و ما ساکنان هیچ شهر و دیار و هیچ جامعه و ملتی را به کیفر گناهانشان نابود نساختیم، جز این که آنان سرآمد معلوم و اجل مشخص و هنگامه تغییرناپذیری داشتند و پس از سپری شدن روزگارشان نابود شدند. بنابراین، این کفرگرایان نیز مباد از مهلت ما مغرور شوند و گمان برند ماندگارند. هرگز، اینان نیز دورانی معلوم دارند که پس از سپری شدن آن دستخوش زوال و فنا خواهند شد.

در آیه بعدی سوره حجر نیز خبر از هلاکت قطعی و وجود اجلی معین برای یک قوم سخن به میان آمده است. تفسیر نوز نکات زیر را درباره آیه چهارم سوره حجر ذکر کرده است که آخرین نکته آن می‌تواند محل توجه جدی باشد. از نظر این تفسیر خداوند در پی آن است که بگوید «کامیابی‌های دنیاپرستان پایانی دارد، اگر بخواهیم می‌توانیم کفار را فوراً نابود کنیم، اما برنامه و سنت ما فرصت دادن و تأخیر است» و ما نباید «به مهلت دادن‌های الهی مغرور شویم» و مهمتر اینکه «جامعه و تاریخ نیز قانون و زمان‌بندی و اصولی دارد».

تفسیر نمونه نیز از وجود سنتی الهی سخن به میان می‌آورد. در این تفسیر می‌خوانیم «سنت الهی همه جا این بوده که به قدر کافی مهلت برای تجدید نظر و بیداری و آگاهی بدهد، حوادث دردناک و وسائل رحمت را یکی پس از دیگری می‌فرستد، تهدید می‌کند، تشویق می‌کند، اخطار می‌کند تا حجت بر همه تمام شود.»

نکته‌ای که در این آیه وجود دارد این است که خداوند قومی را عذاب نمی‌کند مگر آنکه عملکرد آن قوم کار را به آن‌جا برساند. به نظر می‌رسد که اصل در هلاکت یک قوم عملکرد و مناسبات آن قوم است. در تفسیر روان جاوید و در ذیل آیه ۴ سوره حجر می‌خوانیم: «امام باقر علیه‌السلام نقل کرده که پیغمبر(ص) فرمود وقتی سزاوار شد ولایت خدا و سعادت می‌آید، ... و وقتی سزاوار شد ولایت شیطان و شقاوت می‌آید ... نباید کفار مغرور شوند از آنکه خداوند به آنها مهلت داده چون هیچ قوم و جماعت و اهل بلدی معذب نشدند و بهلاکت نرسیدند، مگر آنکه اجل مقدر مکتوب در لوح محفوظ آنها رسیده بود و هیچ امت و گروهی پیشی نمی‌گیرند بر اجل محتوم خودشان و باز پس نمی‌مانند از آن، بلکه تمامی در موعد مقرر مقدر به هلاکت و مجازات اعمال خواهند رسید.

همان‌طور که در تفاسیر آمده است، اعمال یک جامعه نتیجه‌ای گریزناپذیر خواهد داشت و بنابراین نباید جامعه را فراموش کرد و تنها به فکر اعمال فردی خود بود.